

LETTER TO EDITOR

پاسخ به مقاله "طب مکمل، علم یا شبه علم؟ یک نقد تاریخی"

Response to the Article of "Alternative Medicine, Science or Pseudoscience? A Historical Review"

Ali Firouzabadi¹

1- Associate Professor of Psychiatry, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Correspondence: Ali Firouzabadi; Associate Professor of Psychiatry, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran; a_psych@hotmail.com

Received: 24 Oct 2013; Accepted: 29 Oct 2013; Online published: 8 Nov 2013
Research on History of Medicine/ 2013 Nov; 2(4): 175-178.

سر دبیر محترم نشریه "مطالعات تاریخ پزشکی"

در پاسخ به سرمقاله منتشر شده در شماره پیشین آن نشریه گرانقدر تحت عنوان "طب مکمل، علم یا شبه علم؟ یک نقد تاریخی"¹ مواردی را به اختصار به استحضار می‌رساند:

زمانی که اندیشه تالیف کتاب "علم، شبه علم- باور، حقیقت و خیال"² به ذهن مولف رسید هرگز گمان نمی‌برد که خوانندگان آن به دواوردی موافق و مخالف تقسیم شوند چرا که حوزه اندیشه و علم را حوزه ای خاکستری می‌داند که سیاهی و سفیدی مطلق را در آن راه نیست و هیچکس نمی‌تواند ادعای مالکیت کل حقیقت را داشته باشد. همانگونه که سر دبیر محترم نگاشته اند نکته محوری مطرح شده در این کتاب تاکید بر لزوم بکارگیری روش مندی مناسب و ارایه شواهد متقن و قابل اعتماد در بیان هرگونه ادعای علمی است. ذهن علمی به دور از پیشداوری و دخالت "عقیده" تنها به این می‌اندیشد که چگونه می‌تواند "احتمال" درستی یک "فرضیه" را در چارچوب یک "مدل" قابل اعتماد نشان دهد. برای نگارنده قابل درک نیست که چگونه چنین اظهارنظری می‌تواند مخاطبین را به دو اردوگاه مخالف و موافق تقسیم کند.

علی فیروزآبادی¹

1-دانشیار روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: علی فیروزآبادی، دانشیار روانپزشکی، دانشگاه

علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

a_psych@hotmail.com

1- Zargaran, 2013: 91-4.

2- Firoozabadi, 2013.



در مورد نقد تاریخی سردبیر محترم، ذکر این نکته ضروری است که به هیچ وجه پیشرفت نگاه علمی در دانش پزشکی را محدود به رخدادهای چند صد سال گذشته در دیار غرب نمی دانم. شکی نیست که پزشکان ایرانی و مسلمان در آنچه که می توان آنرا تکامل و تکوین روش مندی علمی دانست سهم به سزایی داشته اند که گاه از سوی مورخین علم مورد غفلت قرار گرفته است اما اگر به انصاف داوری کنیم شاید به این نتیجه برسیم که این متفکرین و اندیشمندان به مثابه جزایر تک افتاده ای بوده اند که موفق به تاسیس و تثبیت یک چارچوب و الگوی فکری (پارادیم) نشدند. از دل این عناصر مجزا به دلایل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی سیستم منسجمی شکل نگرفت. اما در غرب این مهم در طی دوران انقلاب علمی و صنعتی محقق شد. کم نبودند اندیشمندان مسلمان و معتقدی که صدای آنها در هیاهوی برخاسته از سوی قشربون که آنها را به کفر و زندقه مهتم می کردند خاموش شد و در شاهراه تاریخ طینی پیدا نکرد.

آنچه نگارنده در این کتاب بر آن تاکید داشته ام لزوم برخورداری محقق از تفکر نظام مند علمی است تا بتواند با تکیه بر آن چارچوبی را شکل دهد که نقدپذیر و ابطال پذیر باشد. چنین هدفی تنها با به رسمیت شناختن اصول پایه تحقیق علمی قابل دستیابی است. در حوزه طب اسلامی و ایرانی ما هنوز موفق به تولید شواهد کافی برای ارایه یک چارچوب نظام مند نشده ایم. رسیدن به این چارچوب تنها آغاز راه است. راهی که در آن باید دیدگاههای ما با عبور از کوره نقد بیرحمانه اهل علم محک خورده و صیقل یابد.

سخن نگارنده در این کتاب تاکید بر اهمیت این دیدگاه بود و گرنه تکرار مکرر آنچه پیشینیان گفته اند ما را به اندازه سرسوزنی به جلو نخواهد برد. هر گاه این سینا و بقراط امروزه سرازخاک برمی داشتند نامحتمل می نماید که دیدگاههای خود را متناسب با پیشرفتهای علمی که در این مدت بشر به آنها دست یافته است تعدیل نمی کردند. دیدگاه اخلاطی بقراط در زمان خود مدلی علمی و پیشرفته در برابر دیدگاههای خرافی و ضد علمی معاصرینش بود و تاکید وی بر علم در برابر عقیده نیز از همین دیدگاه علمی برمی خیزد. اما بسیار بعید است که "بقراط امروزی" همچنان بر دیدگاه اخلاطی و مزاجهای چهارگانه پای بفشارد. چرا که در آن صورت علم دیروز خود را به عقیده ای امروزی بدل می نمود و این با راه و رسم علمی که او از آن جانبداری می کرد همخوانی نداشت. همانگونه که بی شک در زمان خود بقراط برای طی طریق از اسب و ارابه استفاده می کرده است ولی "بقراط امروز" را نمی توان همچنان بر این وسایل نقلیه تصور کرد.

References

- Firouzabadi A. [Elm, Shebh Elm]. Shiraz: Navid. 2013. [in Persian].
 Zargaran A. Alternative Medicine, Science or Pseudoscience? A Historical Review. *Res Hist Med* 2013; 2(3): 91-4.

پاسخ نویسنده (Author Reply)

با تشکر از پاسخ استاد ارجمند، جناب آقای دکتر فیروز آبادی، ذکر چند نکته را جهت روشن تر شدن بحث خالی از فایده ندانستم. نخست آنکه، نقد یک اثر آنهم در فضای تب آلود طب سنتی که منصفین و دلسوزان واقعی آن در مقابل دو دسته مدافعین بی دانش و متعصب و منتقدین بدون اطلاع و جو زده، اندک شمارند، جای تعجبی ندارد. از سوی دیگر همانطور که نگارنده کتاب خود نیز معترف است، فضای دانش جایگاه نقد بی رحمانه در راستای نزدیک شدن به حقیقت است؛ لذا تحمل نقد این کتاب و بیان دیدگاه های سیاه، سفید و خاکستری نه تنها دور از انتظار نیست بلکه لازمه شکافتن ابر تیرگی و صیقل یافتن دیدگاه های شخصی نگارنده در مقابل نقد منتقدین است. انتظار می رود همانطور که نگارنده محترم کتاب با نگارش این اثر جامعه علمی طب سنتی را به تفکر و احتیاط در باورهایش فرا می خواند، خود نیز تحمل نقد ایشان را داشته و از خلال جملات ایشان بدنبال تصحیح و ارتقای دیدگاه خود در این حیثه باشد. نکته دیگر آنکه، همانطور که در سرمقاله نیز اشاره شد، کلیات گفتار استاد ارجمند، خود دغدغه پژوهشگران واقعی این عرصه بوده و نگاه علمی و به دور از تعصب دستور کار



بی چون و چرای ایشان می باشد، اما در بیان موارد و جزئیات و بویژه از نقطه نظر تاریخی نقدهایی بر آن وارد است. چنانکه آنچه در پاسخ نگارنده کتاب به سرمقاله اینجانب در خصوص عدم انسجام علمی اندیشمندان مسلمان، شکل نیافتن یک پارادایم علمی مشخص در این دوران و حتی نگاه متعصبانه و قرون وسطایی که موجب خاموش شدن فریاد دانشمندان مسلمان شده، آمده با نگاه تاریخی قابل قبول به نظر نمی رسد. به نظر می رسد این سطور با در نظر گرفتن شرایط علمی غرب در دوران شکوفایی تمدن اسلامی نگارش یافته و به جهان اسلام تعمیم داده شده است. این درحالیست که در ایران دوران اسلامی و حتی پیش تر در عصر باستان نگاه آزاد علمی، و رای هرگونه نگاه سیاسی و مذهبی حکومت های وقت بوده است. چنانچه سردمداران طب در جهان اسلام در قرون اولیه اسلامی عمدتاً غیر مسلمان بوده و به آزادی در جامعه اسلامی به پژوهش، تعلیم و درمان می پرداختند. نوع نگاه به درمان بیماران و بیمارستان ها نیز در دوران طلایی تمدن اسلامی و ایران باستان حتی از آنچه امروز به آن دست یافته ایم نظام مند تر بوده است. از سوی دیگر دانش پزشکی در این دوران در سرزمین های اسلامی و میان دانشمندان در حرکت بوده؛ چنانچه عمده این بزرگان در کنار تالیفات متعدد خود به نگارش دانشنامه های سترگ نیز اقدام می نمودند که هدف از آن، جمع آوری دانش پیشینیان و اضافه نمودن آنچه خود از راه تجربه و یا استدلال به آن می رسیده اند بوده است. ذکر منابع دقیق در این دسته از کتب به پزشکان پیشین نشان می دهد که ایشان نه تنها به صورت جزایر جداگانه نبوده اند بلکه از یک انسجام و حرکت نظام مند علمی در بستر زمان برخوردار بودند که این مهم موجب پیشرفت این دانش در طول مدت این دوره بوده است. این دانشنامه ها مانند آنچه موتورهای جستجوی مقالات و منابع علمی امروزی هستند، دانش زمان را در پیش روی چشم پژوهشگر و طبیب زمان قرار می داده است.² سخن آخر آنکه قضاوت در چند و چون حرکت علمی در تاریخ می بایست با در نظر گرفتن فضای زمانی و مکانی آن صورت گیرد و نمی توان بر پایه داشته های امروز جایگاه پیشینیان را بدون در نظر گرفتن فضای تاریخی آن ها نقد نمود.

1- Ahmadi et al., 2012: 333-40.

2- Zargaran et al., 2013: e154.

آرمان زرگران
دستیار داروسازی سنتی

References

Ahmadi SA, Zargaran A, Mohagheghzadeh A. Patient rights in the history of Persian and Islamic hospitals from beginning to 8 Century Hijri. *Quarterly journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine* 2012; 3(3): 333-40.

Zargaran A, Vessal K. from Rete Mirabelle to Willis circle, historical progress of medicine. *Int J Cardiol* 2013; 168(6): e154.





The Iranian National Museum Of Medical Sciences
History, Tehran; Iran

WWW.RHM.IR